

هدف اسرائیل از ترور فرامرزی

سید هادی برهانی استاندار دانشگاه مطالعات جهان در سایت شورای راهبردی روابط خارجی ایران نوشت: «رژیم صهیونیستی در غزه توفیقی در رابطه با هدف قرار دادن رهبران حماس نداشت، اما به نظر می‌آید اکنون روی ترور رهبران مقاومت و کمک‌کننده در عملیات طوفان الاقصی در خارج از مرزهای غزه متمرکز شده است.

در واقع این اقدام تاکتیک جدیدی نیست. رژیم صهیونیستی همواره از این روش برای ضربه زدن به سازمان‌های مبارز استفاده کرده است. در این مسیر تاکنون رهبران و فرماندهان بسیاری از این سازمان‌ها توسط موساد ترور شده‌اند. در واقع تعداد کمی از رهبران سازمان‌های فلسطینی توانسته‌اند از این ترورها جان سالم به در ببرند. همه سازمان‌های فلسطینی مثل فتح و حماس از این ناحیه ضربه‌های سختی خورده‌اند.

اینک نیز صحنه اصلی مقابله رژیم صهیونیستی با عملیات طوفان الاقصی حذف فیزیکی رهبران حماس است. رژیم صهیونیستی در غزه توفیقی در این زمینه نداشت و حماس توانست به خوبی از فرماندهی خود حفاظت کند، اما ترور العاروری در لبنان ضربه مهمی به شمار می‌آید، زیرا وی جایگاه مهمی در حماس و روابط حماس با محور مقاومت به‌ویژه ایران و حزب‌الله داشت.

رژیم صهیونیستی مهمترین شانس خود را برای نشان دادن نوعی پیروزی و ارضای حس انتقام صهیونیست‌ها از عملیات طوفان الاقصی، ترور رهبران حماس می‌داند. سازمان موساد احتمالاً بیش از هر سازمان اطلاعاتی دیگری در دنیا آدم کشته است. تعداد این ترورها براساس کتاب برگمن (برخی‌ز و اول بکش) بیش از سه هزار نفر است. رژیم صهیونیستی آدم‌کشی را نقطه‌قوت خود می‌داند. رژیم صهیونیستی از این ناحیه ضربه‌های سختی به سازمان‌های فلسطینی، لبنانی و کشورهای عربی درگیر با رژیم صهیونیستی وارد کرده است. ماشین ترور رژیم صهیونیستی در یکی دو دهه اخیر در ایران نیز فعال بوده است.

رژیم صهیونیستی از این توان برای از کار انداختن مغزهای متفکر یا نخبگان مؤثر آنها، بهره می‌برد. تاریخ منطقه نشان می‌دهد کشورها و سازمان‌های منطقه نتوانسته‌اند پاسخ مؤثر و درخوری به این حملات بدهند و از این ناحیه آسیب دیده‌اند.

این واقعیت در گذشته وجود داشته و نشانه چندان‌ی از تغییر آن در دست نیست. البته مقاومت دست روی دست نمی‌گذارد و تلافی خواهد کرد اما در صورتی که ضربه‌ای متناسب وارد نشود یا نوعی بازدارندگی مؤثر ایجاد نشود، این ترورها در آینده هم ادامه خواهد داشت.

اتخاذ یک سیاست درست مستلزم تغییراتی جدی و اصلاحاتی اساسی است. دلایل این آسیب‌پذیری باید شناخته و برطرف شود. اگر با دستگاه‌های اطلاعاتی منطقه مثل ترکیه، قطر، عربستان و... تعامل و همکاری برقرار شود، سودمند خواهد بود. بسیاری از کشورهای منطقه و سرویس‌های امنیتی آنها سابقه‌ای طولانی از برخورد و رقابت با موساد دارند.

علاوه بر ظرفیت‌های اطلاعاتی نیاز است از ظرفیت‌های سیاسی و دیپلماتیک نیز در جهت محدودسازی و مهار رژیم صهیونیستی در دست یازیدن به سیاست ترور به شکل مناسبی بهره گرفته شود.

باید توجه داشت رژیم صهیونیستی روابط گسترده‌ای با قدرت‌های بزرگ دارد و از این مسیر همکاری اطلاعاتی رژیم صهیونیستی و این قدرت‌ها در جریان است. با ریزنی و برنامه‌ریزی دقیق می‌توان امیدوار بود محور مقاومت بتواند با پاسخ مناسب بازدارندگی جدی ایجاد کند و رژیم صهیونیستی را از پیشبرد سیاست حذف رهبران نظامی و سیاسی مقاومت بازدارد.»



جنگ اسرائیل در غزه همچنان ادامه دارد و همانطور که پیش بینی می‌شد، امکان گسترش آن به سراسر منطقه هر روز بیشتر از دیروز می‌شود. آنچه در نظر می‌خوانید تحلیل مجموعه‌ای از تحلیلگران ارشد اندیشکده انستیتو خاورمیانه در خصوص شکل و نحوه گسترش این جنگ و پیامدهایش برای خاورمیانه است.



▼ آیا کسی می‌تواند جنگ را متوقف کند؟



پل سالم

رئیس و مدیرعامل اندیشکده

در ماه نوامبر و دسامبر، دولت بایدن از اسرائیل خواست تا عملیات نظامی خود را در غزه متوقف کند. آمریکا امیدوار بود، توقف جنگ در اوایل ژانویه ۲۰۲۴ موجب شود که تشدید تنش در منطقه کنترل شود. در عوض، قرار است عملیات نظامی در غزه تا ماه‌ها ادامه داشته باشد و جبهه اسرائیل و لبنان نیز در آستانه انفجار است. علاوه بر این حملات شبهنظامیان در عراق و سوریه علیه مواضع نیروهای آمریکایی تشدید شده و نیروهای یمنی نیز در دریای سرخ به حمله به کشتی‌هایی که مقصدشان اسرائیل است، ادامه می‌دهند. جنگ در غزه، در حال حاضر به بخش زیادی از خاورمیانه سرایت کرده است. خطر این است که دامنه و شدت درگیری به‌طور پیوسته در هفته‌ها و ماه‌های آینده افزایش یابد، مگر اینکه پیشرفت چشمگیری در جهت معکوس کردن این روند رخ دهد.

حمله ۷ اکتبر حماس به اسرائیل گاهی با ۱۱ سپتامبر آن کشور مقایسه می‌شود اما تحولاتی که پس از این حمله رخ داده، بیشتر شبیه داینامیک‌های سال ۱۹۴۸ و نکیه است. بسیاری از جناح راست افراطی اسرائیل در حال حاضر از یک رویکرد بسیار رادیکال‌تر در ایجاد شرایط جدید برای اسرائیل حمایت می‌کنند و این رویکردها خیلی شدیدتر از پاسخ صرف به حمله‌ی حماس است. این رویکردها شامل ویرانی غزه و جلوگیری از بازگشت جمعیت به خانه‌هایشان، تشدید خشونت در کرانه باختری برای ایجاد شرایطی جهت تغییر بنیادی جمعیتی در آنجا و همچنین تحریک حزب‌الله و وادار کردنش به جنگ با اسرائیل است. رادیکال‌ها در اسرائیل معتقدند، جنگ با حزب‌الله می‌تواند یک بار برای همیشه این تهدید امنیتی را از بین ببرد. ایالات‌متحده -به‌ویژه دولت بایدن - با هر سه رویکرد مخالف است؛ آمریکا با جنگ طولانی در غزه، تشدید تنش در کرانه باختری، و جنگ گسترده اسرائیل و حزب‌الله مخالف است. همچنین جالب است بدانیم که جو بایدن و بنیامین نتانیاهو، هر یک، نگرانی‌های سیاسی داخلی و مخالفانی در داخل دارند؛ نتانیاهو می‌داند که روز پس از پایان این جنگ طولانی مدت، از قدرت خلع خواهد شد یا احتمالاً کارش به زندان خواهد کشید. بایدن می‌داند که هر چه این جنگ بیشتر طول بکشد و گسترش یابد، در انتخابات نوامبر او با مشکل مواجه خواهد شد. همچنین واضح است که اگر چه اسرائیل در واقع ثابت کرده، در این درگیری کاملاً به حمایت نظامی و مالی آمریکا وابسته است، اما اهرمی که ایالات

متحده می‌تواند یا می‌خواهد علیه اسرائیل اعمال کند، تأثیری نزدیک به صفر دارد. نتانیاهو مدت‌هاست که به سرپیچی آشکار از رؤسای جمهور ایالات‌متحده -به‌ویژه رؤسای جمهور دموکرات- عادت کرده و آگاه است که سیستم سیاسی آمریکا هیچ عواقب منفی‌ای برای اسرائیل ایجاد نخواهد کرد. این بدان معناست که سفر فعلی آنتونی بلینکن، وزیر امور خارجه به منطقه تنها می‌تواند تأثیر بسیار محدودی داشته باشد زیرا او تقریباً هیچ تأثیری بر اقدامات اسرائیل ندارد. بقیه کشورهای منطقه از آمریکا می‌خواهند که اسرائیل را وادار کند جنگش را در غزه خاتمه دهد اما بلینکن نمی‌تواند اسرائیل را مجبور به این کار کند. در همین حال، ایران استراتژی خود را در خصوص تشدید تنش‌های پایدار و سنجیده تعیین کرده است. حماس به‌عنوان متحد ایران، ضربه گیج‌کننده‌ای به امنیت اسرائیل وارد کرد. ۵۰ سال پیش، نیروهای مسلح سوریه نیز ضربه مهلکی به اسرائیل وارد کردند. به‌عبارت دیگر، مدل تهران در خصوص جنگ نامتقارن بسیار مؤثر بوده است. ایران راضی است که روند عادی‌سازی روابط با اسرائیل متوقف شده و افکار عمومی جهان عرب نیز به‌شدت با آن زاویه پیدا کرده است. در نهایت، مقامات ایرانی مطمئناً از اینکه واشنگتن به دلیل حمایت از این جنگ به‌طور فزاینده‌ای در منطقه منزوی شده است، خرسند هستند. نیروهای مورد حمایت ایران و نیروهای آمریکایی با هم درگیر هستند و بسیار مهم است که توجه کنیم در حال حاضر واشنگتن در رویارویی با این نیروها هیچ متحد عربی ندارد و ترکیه نیز حاضر نشده در این خصوص به واشنگتن کمک کند.

جالب اینجاست که تنها منطقه فرعی که از درگیری در امان مانده، خلیج فارس است؛ منطقه‌ای که به واسطه نزدیکی اخیر عربستان، امارات و ایران تاکنون موفق به حفظ آرامش و تسهیل ادامه جریان تجارت شده است اما با افزایش تنش‌ها در غزه، شامات و دریای سرخ، این آرامش خلیج فارس نمی‌تواند پایدار بماند و هرگونه وقعه در جریان حمل‌ونقل در خلیج فارس، مستقیماً به بازارهای انرژی و اقتصاد جهانی تأثیر می‌گذارد.

▼ آزمون بزرگ برای رویکرد دیپلماتیک دولت بایدن



برایان کاتولیس

معاون سیاستگذاری

آنتونی بلینکن، وزیر امور خارجه آمریکا، چهارمین سفر خود را به خاورمیانه از

نگاه تحلیلیگران

اکتبر و شروع جنگ در نوار غزه انجام داد. امروز خطر یک درگیری منطقه‌ای گسترده‌تر به میزان قابل‌توجهی افزایش یافته است. کشتیرانی از طریق دریای سرخ همچنان با تهدیدات یمنی‌ها مواجه است و درگیری‌های روزانه بین حزب‌الله لبنان و نیروهای اسرائیلی، هر لحظه ممکن است به درگیری بزرگ‌تری تبدیل شود.. اولویت اصلی بلینکن جست‌وجوی راه‌هایی برای تنش‌زدایی در چند جبهه است و تلاش‌های دیپلماتیک او با تشدید تلاش‌های نظامی ایالات متحده با هدف بازگرداندن بازدارندگی در چندین جبهه همراه شده است. دولت بایدن همچنین آموس هوخشتاین را در راستای یک مأموریت دیپلماتیک با هدف کاهش تنش در مرز بین اسرائیل و لبنان به منطقه اعزام کرده است. بلینکن در چندین ایستگاه در طول مسیر سفرش به تلاش‌های ائتلاف نظامی آمریکا در دریای سرخ اشاره کرد. این ائتلاف بیش از ۲۰ کشور را شامل می‌شود اما جالب اینجاست که برخی از شرکای اصلی آمریکا در خاورمیانه که تحت تأثیر این بی‌ثباتی قرار گرفته‌اند، به‌طور رسمی عضو این ائتلاف نشدند. علاوه بر تلاش برای جلوگیری از وقوع یک جنگ منطقه‌ای گسترده‌تر، دولت بایدن به تلاش برای تضمین بازگشت امن گروگان‌هایی که در غزه نگهداری می‌شوند، افزایش جریان کمک‌های بشردوستانه به فلسطینی‌های غزه و همکاری با شرکا برای برنامه‌ریزی در روزهای پس از غزه ادامه داده است.

وضعیت کنونی در خاورمیانه نشان‌دهنده یک آزمون بزرگ و تلاش دولت بایدن برای در اولویت قرار دادن دیپلماسی در خاورمیانه است. این شعار و الگویی است که تیم بایدن در زمان آغاز به کار خود در سال ۲۰۲۱ ارائه کرد. سفرهای دیپلماتیک بلینکن و هوخشتاین به منطقه نشان‌دهنده تلاش دولت آمریکا برای عمل به این وعده‌ها است. اما در حقیقت، تازمانی که اسرائیل دیگر احساس نکند اهداف جنگی‌اش مستلزم اقدامات نظامی است، دیپلماسی به تنهایی بحران‌های کنونی را حل نخواهد کرد.

▼ اسرائیل برنامه‌ای برای دوران بعد از جنگ ندارد

نمرود گورن



کارشناس ارشد مسائل اسرائیل
عملیات نظامی اسرائیل در نوار غزه وارد فاز جدیدی شده است. هرچند تل‌آویو هنوز هیچ بیانیه رسمی‌ای در این خصوص صادر نکرده است. نیروهای ارتش اسرائیل حضور خود را در شمال غزه تحکیم کرده‌اند و حالا وارد فاز جدیدی از اقدامات شده‌اند که شامل اهداف دقیق‌تر از جمله تلاش برای از بین بردن پایگاه حماس در خان‌یونس و ترور رهبران گروه‌های شبه‌نظامی در خارج از غزه و همچنین تمرکز بر آزادی باقی‌آسرا است. به نظر می‌رسد اسرائیل تا حدی نگرانی‌های مصر را در نظر گرفته و لشکرکشی گسترده خود را به سمت جنوب نوار غزه محدودتر کرده است. علاوه بر این، به نظر می‌رسد، فشارهای ایالات متحده و باقی‌بازیرگان منطقه‌ای، اسرائیل را وادار کرده تا حدودی اجازه ورود کمک‌های بشردوستانه به غزه را صادر کند. علاوه بر این، مناطق حائل امنیتی در سمت غزه در مرز اسرائیل و غزه برای جلوگیری از نفوذ

بیشتر و ایجاد شرایط برای بازگشت شهروندان اسرائیلی که منطقه را تخلیه کرده‌اند، ایجاد شده است. اسرائیلی‌ها این تغییرات را در زندگی روزمره خود طی دو هفته گذشته احساس کردند. تعداد موشک‌های شلیک‌شده به اسرائیل توسط حماس کاهش یافته و بسیاری از نیروهای ذخیره اسرائیلی از خدمت مرخص شده‌اند. این امر به اسرائیلی‌ها فضایی برای تنفس داد، هر چند که موقتی و محدود است. نگرانی عمیق گسترده‌ای در مورد گروگان‌هایی که هنوز در دست حماس هستند و تعداد زیاد تلفات ارتش اسرائیل وجود دارد. هم‌زمان تمرکز به سمت مرز اسرائیل و لبنان تغییر کرده است. تنش‌های فزاینده بین اسرائیل و حزب‌الله تهدیدهای متقابل را برای تشدید تنش افزایش می‌دهد. اسرائیل بر آمادگی خود برای افزایش اقدام نظامی تأکید می‌کند اما به نظر می‌رسد راه‌حل دیپلماتیکی را ترجیح می‌دهد که حزب‌الله را وادار کند به قبل از رودخانه لیتانی بازگردد. این تغییر فاز در جنگ غزه، می‌تواند زمینه‌ای برای دیپلماسی و برنامه‌ریزی سیاسی فراهم کند. باید واقعیت‌های جدید منطقه‌ای ایجاد شود و فرآیند گذار آغاز شود. واشنگتن ظاهراً برای تحقق این امر فشار می‌آورد. در سفر هفته جاری آنتونی بلینکن، وزیر امور خارجه ایالات متحده به اسرائیل و منطقه این تلاش واشنگتن مشهود است اما اسرائیل سخت تلاش می‌کند تا از چنین حرکت دیپلماتیکی که صلح را برقرار می‌کند، جلوگیری کند. دولت بنیامین نتانیاهو تمایلی به طرح چشم‌انداز «روز پس از جنگ» ندارد و اعضای کابینه اسرائیل پیام‌های متناقض و اغلب افراطی درباره آینده غزه را ارائه می‌دهند. نتانیاهو بر بقای سیاسی خود با توجه به میزان پایین محبوبیتش در داخل متمرکز است و راه‌حل دوکشوری که ایالات متحده، اروپا و کشورهای منطقه می‌خواهند پس از جنگ آن را پیش ببرند، قربانی با برنامه‌های کابینه اسرائیل ندارد. دیپلماسی اسرائیل بر مسائل دیگری متمرکز شده که عبارت است از مقابله با شکایت آفریقای جنوبی علیه اسرائیل در دیوان بین‌المللی دادگستری و بسیج حمایت بین‌المللی برای آزادی گروگان‌ها. بنابراین، مشارکت مهم و سازنده اسرائیل در برنامه‌ریزی برای «روز بعد از جنگ» احتمالاً قبل از انتقال قدرت در عرصه سیاسی اسرائیل، ممکن نیست. نظرسنجی‌های مکرر نشان می‌دهد، اسرائیلی‌ها مشتاق نخست‌وزیری جدید هستند. تا زمانی که این اتفاق نیفتد، احتمالاً دستاوردهای نظامی اسرائیل در عرصه میدانی، به دستاوردهای دیپلماتیک در جهت صلح تبدیل نخواهد شد.

▼ هیچ وقفه‌ای در حمله اسرائیل به غزه وجود ندارد

خالد الگیندی



مدیر برنامه فلسطین و امور فلسطین و اسرائیل

طی چند هفته گذشته، دولت بایدن از مقامات اسرائیل خواسته است تا کمپین گسترده «بیماران بی‌رویه» خود را که منجر به تلفات گسترده غیرنظامیان و ویرانی‌های گسترده شده، پایان دهند. تاکنون، حمله

جنگ در حال گسترش

نظر تحلیلیگران اندیشکده انستیتو خاورمیانه درباره شرایط بحرانی خاورمیانه در پس زمینه جنگ غزه

